

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۵ سپتمبر ۲۰۱۸

نقش روحانیون در عقب ماندگی جامعه

۱

حیاء و شرم و حرمت از جهان رخت سفر بسته که ملانہ از ایزد بلکه از اعراب میترسد
به عالم رهبری هرگز نتر سیده به جز از حق به ملک ما و لاکن رهبر از پنجاب میترسد

شاعر نامی کشور مختار زاده

امروز وقتی مشغول مطالعه نوشته یکی از نوکران شیخک های عربی بودم ایمیلی از دوست خیلی ارزشمند، با دانش، انسان، انقلابی سراپا سوز و گداز از استراليا دریافتم

دوست من نوشته: «... این انتخابات و صحبت های پیش پا افتاده را بگذار چون در کشور اشغال شده همه چیز روشن است و نباید روی پدیده های بر آورده شده از چنین دولت دست نشانده تبصره نمود، برو روی موضوعات تعیین کننده و سر نوشت ساز مثلاً "افشای دین، بنیان گذاران، دنباله روان دین مثلی که سابق این موضوعات را خودت و تعدادی از دوستانی که فعلاً روی ملحوظاتی نمی نویسند و یا ... پیگیری می کردی، بنویس چون دهن خیلی از این کثافت ها را بستید اما مدتی است که از نوشته هایت خیری نیست ...، تعداد مردمانی را که اینجا من می شناسم ۹۹ در صد آنها علاقه مند به این پورتال آزادگان بوده و اکثر آنها از نوشته های افشاگرانه، بی باکانه انسانی و انقلابی منتشره این پورتال می آموزند و در مجالس در این موارد صحبت هائی می کنند پس اگر به گستاخی من تلقی نشود از خودت و دیگر نویسندگان این پورتال تقاضا می کنم که در صورت امکانات و مساعد بودن شرایط لطفاً به ارتباط :

استعمار، استثمار، نیرو های استعماری و شکل بهره کشیدن آنها از انسانهای محروم و تحلیل خیلی عامیانه از شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی و انسانی جامعه ما و خرافاتی به نام دین که اساس و پایه گذار در بند کشیدن مردم مخصوصاً پایمال نمودن حقوق زنها و آنها را در قید اسارت ۱۴۰۰ نگهداشتن دارد، به شکل عام فهم بنویسند تا درین فقر فرهنگی که مواجه هستیم پاسخ دهنده سؤالاتی که ما در دل داریم و نظر به محدودیت شرایط نمی توانیم آن را آزادانه انعکاس دهیم باشد و مشکلات ما را تا اندازه ای مرحله به مرحله حل و به ما جرأت اخلاقی مباحثه با دیگران را بدهید"

اما در باره دین و مذهب!! که مثل موریانه تن و روح ما را می خورد احتیاج به صریح نوشتن ها، واضح گفتن ها و روشن ساختن تمام جنایات، چپاول، هرزه گری و...، که در ادیان است ضرورت داریم، دوستان میل دارند

موضوعات دینی را در مطبوعات به سطح جهانی (در همین پورتال آزدگان) بخوانند و تا جائی که من می دانم تا حال هیچ پورتال و سایتی چنین جرأتی را نداشته است تا روی استدلال هائی که می شود و خلاف میل ملا و نوکر های شیوخ عربی می باشد نشرات داشته باشند.

و با تاسف باید هم عرض کنم از تعداد دوستانی که بر نوشته هایت مهر تأیید می زدند دیگر چیزی نمی خوانیم فکر می کنم شاید... در تغییر افکار شان رول بازی نموده است.

روی همین ملحوظ از خودت و چند روشنگر دیگر مثل... توقع داریم تا یک کمی بیشتر سعی و تلاش به خرج دهی، عمر کوتاه است شاید شرایطی پیش آید که ما از آنچه دیگران می دانند بی بهره برویم و... هیچ»

این ایمیل دوست عزیزم بر من تأثیر زیادی گذاشت که بالاخره تصمیم گرفتم عجلتاً از سیاست و گفتار در باره موضوعات سیاسی، تیوریک و علمی منصرف و بروم به طرف دین، مبلغان شرفباخته آیده های شیخک های عربی و مرام های شوم آن، در خدمت استعمار و بهره کشی از انسانهای خوشباور.

البته این سلسله تا مدتی ادامه خواهد داشت تا باشد سخنگویی از شیخک ها در این مواردی که می نویسم استدلالی اگر داشته باشند لطف نموده غرض روشن شدن اذهان مردم خوشباور ما در همین پورتال بنویسند و مؤدبانه بنویسند چون فحش دادن و بد و بیراه گفتن مشکلی را حل نخواهد کرد

با در نظر داشت نوشته دوست گرانمایه ام از شما چه پنهان دل خود من هم چنین می خواست، چون فکر می کنم یکی از وسیله های مؤثر تسلط استعمار و تاراج هستی ملل مظلوم در کشور های عقب نگه داشته شده همین ادیان است و همکاری تعدادی از شرفباخته های عجمی و خدمات شان به استعمار و به خاطر چیزی به جیب زدن مرام های شوم آنها را سریعتر به نتیجه می رساند

کنون برویم، روی بحث های اسلامی و دینی و فعالیت های شیوخ عرب در راستای به حق جلوه دادن تمام چرندیات عربی و تلاش های مذبحخانه سخن گویان و یا معاونین سخن گویان شیخک های عربی.

یک شیخ فتوا می دهد، قانون و مقررات وضع می کند، امر و نهی می کند و همه را جنبه دینی و اسلامی می دهد زیر نام آیت و حدیث! و خودش می رود به قمار خانه های لاس وگاس، پاریس، روم، و... تا از پول های به دست آورده از حماقت مردم شراب نوشیده، قمار زده و با پری پیکران دلربا هم آغوش شوند، در اجراء و عدم اجراء آنچه فتوا داده اند کاری ندارند چون به قدر کافی عجمی های شرفباخته زیر نام: ملا، مولوی، روحانی، عالم دین، سید، آیت الله، حجة الاسلام، طالب، دکتور و انجنیر اسلامی، دکاندار اسلامی و... مال اسلامی در خدمت آنها هستند تا در هر شرایط در تحقق بخشیدن فتوا ها، قانون ها و مقررات وضع شده یک شیخ پلید شرافت چی بلکه حاضر اند ناموس خود را هم بدهند تا از نظر شیخک ها نیفتند

ازدید مسلمانان جهان قرآن کتاب مقدس اسلام است و سخن خدا است و بار اول که نازل شده و در لوح محفوظ ثبت گردیده است و بعداً به صورت وحی توسط جبرئیل بر محمد بن عبدالله تدریجاً نازل گردیده است، (حال این که لوح محفوظ چیست و در کجاست؟؟) بحثی جداگانه است که به آن هم خواهیم پرداخت.

مسلمانان قرآن را بزرگترین معجزه محمد و روشنترین دلیل بر پیامبری او می دانند با در نظر داشت تمام روایات قرآنی (صرف نظر از دهن گشادی نوکر های شیوخ عربی) محمد هیچ معجزه ای نداشته است (نظر به آیات قرآن) اما رقاص های شیوخ عربی همین قرآن را خلاف نوشته قرآن برای محمد معجزه می دانند و یا به خورد ما مسلمان های بی خبر از همه جا می دهند تا از همه چیز غافل شویم.

کلمه قرآن به معنای (قرائت کردم) و (خواندن) است

مسلمانان بر این باور اند که قرآن یک بار به صورت کامل توسط جبرئیل در شب قدر بر محمد نازل گشته و سپس بار دیگر به صورت تدریجی بر او نازل شده است.

و این شب قدر و نزول قرآن هم بحث جالبی است و اگر زندگی باقی بود به آن هم خواهیم پرداخت و تعجب آور از همه گفتار مجنونی حق بگیر استعمار به نام (انجنیر صدیق افغان) جالب تر از همه نظریات چاپلوسان عرب است که به طور خلاصه چنین است (خداوند قبل از این که جهان؟؟ را خلق کند قرآن را نوشت و در لوح محفوظ نگهداشت؟؟) خدمت او هم خواهیم رسید.

از نظر تاریخی اغلب چنین تصور می کنند که قرآن در زمان عثمان خلیفه سوم تحت نظارت تعدادی از اصحاب به رهبری زید بن ثابت به صورت یک کتاب موسوم به مصحف عثمان جمع گردید و نسخه هائی از آن به مکه، دمشق، کوفه و بصره ارسال گردید.

قبل از این که پردازم به قرآن و تهمت گری غلامان شیخک های عربی به الله خودشان و قرآنی که از آن به نام کتاب آسمانی یاد می کنند لازم است کمی هم به پیامبران توجه کنیم، یعنی موجودیت آنها و کتابهائی که بر آنها (به اصطلاح) نازل شده است به این مفهوم که ما مسلمانها باید به همه این پیامبران و کتاب های معدود و یا هم صحیفه های (نازل شده) ایمان داشته باشیم؟ در غیر آن ما مسلمان خواهیم بود و نماینده های الله با ریش و قبا حکم قتل ما را صادر خواهند کرد.

ما باید نظر به هدایت قرآن به این کتابها ایمان داشته و پیروان این پیامبران را سر زده و کتابهای شان را منحیث یک مسلمان کامل و دیندار قبول نکنیم، یعنی ایمان داشته باشیم اما در عمل قبول نکنیم.

اکثراً به ما گفته شده که خداوند ۱۲۴۰۰۰ پیامبر برای هدایت بشریت فقط در یک منطقه آفریده است که نه اسمی از اکثر آنها برده شده و نه هم طرز هدایت شان!!؟ مشخص است.

برای رسیدن به نتیجه مطلوب!! باید ابتداء به گفتار و استدلال شیخک ها و بعداً دنباله روان اعراب گوش فرا داد تا آنها در این مورد چه می گویند و چه استدلال طفلانه و خیالی در مورد دارند، مثلاً می گویند:

تنها راه علم و آگاهی پیدا کردن به یک حقیقت، تعقل و اندیشیدن و یا تجربه نیست، چه بسا مطالبی که قابل تجربه نبوده و با برهین و ادله عقلی نیز ثابت نمی شوند همانند تاریخ و سرگذشت پیشینیان،

به خوبی روشن است که کسی از راه تجربه و یا تفکر و اندیشیدن نمی تواند نسبت به تاریخ گذشته آگاهی پیدا کند، در این گونه موارد تنها راه کسب اطلاعات و آگاهی، گوش سپردن به گفته تاریخ نگاران و یا کسانی است که از گذشته به هر

طریقی آگاهی دارند و راستگوئی آنها مبرهن است، (خوب باید قبول کرد)؟

مسأله تعداد انبیاء و همچنین تعداد امامان و این که چه کسانی پیامبر یا امام بوده اند، از جمله مواردی اند که با حس، تجربه و عقل ثابت نمی شود، (فقط در عالم رویا و خیال در مغز های منجمد و خشک شده مردم خوشباور و ساده دل قابل قبول است

؟؟) البته اصل ضرورت بعثت انبیاء و امامت و مسابلی همچون لزوم عصمت انبیاء و امامان و همچنین نیازمندی جامعه بشری به انبیاء و امامان متعدد، (؟؟) با ادله عقلی ثابت می شوند، چنان که علمای علم کلام این ادله را ذکر نموده اند و در روایات هم بر این ادله عقلی تأکید شده است و معصومین علیهم السلام نیز در موارد متعدد به این (ادله عقلی استدلال نموده اند،))؟

اما این که پیامبران و امامان چند نفر و چه کسانی بوده اند، مسلماً خارج از حوزه عقل و تجربه است، (؟؟) تنها راه آگاهی از این مسأله گوش سپردن به گفته های مؤرخین و کتب تاریخی و یا گوش سپردن به کسانی است که خداوند آگاهی و دانش این

مطالب را به آن‌ها ارزانی داشته است، (یعنی ملا، آخوند و نوکر های شیخک های عربی و امپریالیسم جهانی)؟! باید الاغ عرب بود و پذیرفت.

در مورد تعداد پیامبران، قرآن کریم، علاوه بر ذکر نام تعدادی از پیامبران بزرگ الهی، به این واقعیت هم اشاره می‌کند که تعداد پیامبران، بیشتر از آن است که نام آن‌ها در قرآن آمده است، خداوند به این موضع در آیه ۷۸ سوره مبارکه غافر اشاره کرده و می‌فرماید:

ما پیش از تو رسولانی فرستادیم؛ سرگذشت گروهی از آنان را برای تو بازگفته و گروهی را برای تو بازگو نکرده‌ایم، آیا این چنین معنا می‌دهد که: (۱۲۴۰۰۰ پیامبر تعیین و گمارده شده اند)؟

و همچنین در آیت ۳۶ سوره نحل می‌خوانیم: «ما در هر امتی رسولی برانگیختیم.» پس آنچه از قرآن به‌دست می‌آید این است که پیامبران متعددی برای راهنمایی بشر از سوی خدا به پیامبری مبعوث شده‌اند، (پیامبران متعدد به مفهوم ۱۲۴۰۰۰ نیست) فقط تعداد معدود که همه بیش از پنجاه نفر نمی‌شود می‌باشد، اما مداحان شیخک‌ها به جایی می‌رسند که بی‌جواب مانده و ادعا می‌دارند: دانشمندان و علمای کافر!! هم شاید در جمله پیامبران باشند؟ تعجب آور است!!؟

بنابراین در قرآن کریم به تعداد دقیق پیامبران الهی اشاره‌ای نشده است، لذا باید برای یافتن پاسخ این سؤال که تعداد پیامبران الهی، چند نفر بوده است، به روایات نقل شده از معصومین علیهم‌السلام مراجعه کنیم. در بحار الانوار روایاتی نقل شده است که تعداد پیامبران را ۱۲۴ هزار نفر ذکر کرده است، شماری از این روایات عبارت است از:

حضرت رسول می‌فرماید: «خداوند ۱۲۴ هزار پیامبر آفریده و من گرامی‌ترین آنان نزد خداوند هستم، و ۱۲۴ هزار وصی آفریده که علی‌علیه‌السلام گرامی‌ترین آن‌ها نزد خداوند و بهترین ایشان است.» (بحار الانوار/۱۱/۳۰)

امام زین‌العابدین (بیمار که این خود داستان جداگانه در جنگ کربلا دارد) فرمود: «هر کس دوست دارد ۱۲۴ هزار پیامبر را او مصافحه کنند، امام حسین علیه‌السلام را در نیمه شعبان زیارت کند؛ چراکه ارواح پیامبران از خداوند برای زیارت حضرتش اذن می‌گیرند و به آنان اجازه داده می‌شود و پنج نفر از ایشان اولوالعزم هستند.» (همان/ص ۵۸) ابونور قدس‌سره از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سؤال کرد: پیامبران چند نفر اند؟ حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «۱۲۴ هزار پیامبر.» (همان/ص ۳۲)

شیخ صدوق قدس‌سره در کتاب اعتقادات می‌فرماید: «عقیده ما (شیعه امامیه) در تعداد انبیا این است که آنان ۱۲۴ هزار نفر اند و هر کدامشان وصی دارند.»

مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر «المیزان»، بعد از ذکر روایت ابونور قدس‌سره در تعداد انبیاء، می‌فرماید: «قسمت اول این حدیث که مشتمل بر تعداد پیامبران است، از مشهورات است که شیعه و سنی در کتب شان نقل کرده‌اند، صدوق در «خصال» و «امالی» از حضرت رضا علیه‌السلام از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و از زید بن علی از اجدادش از امیرالمؤمنین علیه‌السلام و ابن‌قولویه در «کامل‌الزیارات» و سید در «اقبال» از امام سجاد علیه‌السلام و در «بصائرالدرجات» از امام باقر علیه‌السلام روایت کرده‌اند، (المیزان/۲/۱۴۴)

بنابراین، منشأ شهرت چنین تعدادی روایات یاد شده است، در منابع موجود نام تعداد بسیار اندکی از پیامبران به چشم می‌خورد، شماری از علل این مسأله عبارت است از:

اکثر انبیاء شریعت مستقل نداشتند؟؟ و به شریعت پیامبر دیگر دعوت می‌کردند؛ یعنی حیثیت (سخنگوی) پیامبر دیگری را داشتند مثل حضرت لوط در زمان حضرت ابراهیم علیه‌السلام این پیامبران خودشان به‌طور مستقیم از خداوند وحی دریافت می‌کردند؛ ولی از سوی وی مأمور به شریعت پیامبر دیگری بودند،؟؟ پیامبر بودند اما سخن گوی پیامبر دیگر؟؟ بسیاری از انبیاء معروف نبودند و بر اساس روایات، بر یک شهر یا روستا و یا یک خانواده؟؟ مبعوث شدند، (چرا) و تعداد این پیامبران چند بوده و سن های شان چند بوده است؟ و ضرورت موجودیت این تعداد پیامبر در یک خانواده، قریه و یا هم شهر چه بوده است؟؟ مگر یک نفر نمی‌توانست همین وظیفه پیامبری را انجام دهد؟؟

اسامی پیامبرانی که در قرآن آمده است، عبارتند از: آدم، نوح، ادریس، هود، صالح، ابراهیم، لوط، یسع، ذوالکفل، الیاس، یونس، اسحاق، یعقوب، یوسف، شعیب، موسی، هارون، داوود، سلیمان، ایوب، زکریا، یحیی، اسماعیل صادق الوعد، عیسی و محمد علیهم السلام، افزون بر این، در قرآن گاه به نام‌هایی برمی‌خوریم که پیامبری‌شان محل بحث است؛ مانند ذی‌القرنین، عمران پدر مریم و عزیر.

برخی آیات نیز اوصاف پیامبری را ذکر کرده و نامش را نیاورده‌اند؛ مثل آیات ۲۴۳ و ۲۴۶ بقره که به ترتیب در مورد حزقیل و اشمونیل است یا آیت ۲۵۹ سوره بقره که در مورد ارمیا یا عزیر می‌باشد، همچنین آیت ۶۵ که در مورد خضر است؛ اگر چه پیامبری جناب خضر محل بحث است)

در روایات نیز نام برخی انبیاء آمده است: همچون اشعیا؛ حقیق یا حبقوق، دانیال، جرجیس و حنظله و خالد، همچنین روایات مختلفی داریم که نشان می‌دهد چندین پیامبر در یک زمان مشغول به تبلیغ بوده اند؟؟، از جمله در روایات متعددی آمده است که بیان می‌کند بنی اسرائیل در يك روز دو، یا سه، یا چهار پیامبر و یا حتی هفتاد پیامبر را (در يك روز) به شهادت رسانیدند، بدون آن که در آن روز بازار و کسب و تجارت خود را تعطیل کرده باشند.

در روایات نیز نام برخی انبیاء آمده است همچون اشعیا؛ حقیق یا حبقوق، دانیال، جرجیس و حنظله و خالد، - مفاتیح الجنان، دعای عمل ام داود)،

این که دقیقاً عدد پیامبران چقدر بوده است، معلوم نیست؟؟ و رقم یاد شده حدود تعداد آنان می‌باشد، اما این که چرا دقیقاً نام همه آنها در تاریخ نیامده است، علت آن عدم رشد علمی کتابت و تاریخ‌نگاری در قرون آغازین و دوران طفولیت بشر می‌باشد، (قرآن چه؟؟) کتابی که به گفته مسلمانها قبل از موجودیت دنیا در لوح محفوظ نوشته شده و بعداً برای محمد به تدریج نازل شده است؟؟

از طرف دیگر بسیاری از این پیامبران جنبه تبلیغی داشته و مبلغان يك پیامبر در نقاط مختلف بوده‌اند، (یعنی سخنگویان، دلال ها مثل راویان عجمی) از این رو ممکن است در يك زمان صدها و یا هزاران پیامبر گمنام در نقاط مختلف می‌زیسته‌اند؟ یعنی چه؟؟ (و از شریعت پیامبر واحدی تبلیغ می‌کرده‌اند، (یعنی تعداد پیامبران به اندازه ای بوده است که خداوند هم اسمای شان را نمی‌دانسته است)؟

از سوی دیگر از انس بن مالک از پیامبر خدا(ص) روایت شده که پیامبر(ص) می‌فرماید: «من به دنبال هشتاد هزار پیامبر مبعوث شده‌ام که چهار هزار نفر آنان از بنی اسرائیل بوده‌اند»، (پس محمد نمی‌تواند آخرین پیامبر باشد چون بعد از او ۴۴۰۰۰ پیامبر دیگر آمده باشد و یا هم در راه باشند)؟؟ برخی این روایت را به این شکلی توجیه کرده‌اند که روایت در صدد حصر تعداد پیامبران نیست و تنها بزرگان انبیا را ذکر فرموده است.

نکته دیگر این که بسیاری از پیامبران نیز مبعوث شده‌اند ولی ما نامی از آنها در اختیار نداریم قرآن می‌فرماید: (پیامبرانی که ما برای تو بازگو نکردیم) لذا مطمئناً در بسیاری از مناطق جهان همانند هند، چین امریکا و... نیز در گذشته‌های دور که امکان ارتباط وجود نداشته؟؟ بر حسب ضرورت پیامبرانی مبعوث شده‌اند و شواهد تاریخی بشر

گواه این معناست، از طرفی خود قرآن که بزرگترین حجت قاطع الهی است می‌فرماید: «و لکل قوم هاد» (برای هر قومی از هر ناحیه پروردگار هدایتگری وجود دارد)

حال اگر برای روشن شدن موضوعات عجالتاً و موقتاً این چرندیات آخوند ها و رقاچه های اسلام را قبول کنیم باید بپرسیم که آیا !! فقط در تمام کره زمین تنها مردم این منطقه (شرق میانه) بودند که به هدایتگر ضرورت داشتند؟ آیا خداوند عرب به جز همین منطقه سر زمین های دیگر و خلق های آن را نمی شناخته است که از آن (قوم ها) برای شان هدایتگری بفرستد؟؟

آیا در سر زمین های تمام ممالک ارو پایی، امریکائی، افریقایی و... همه قانونمندی های زندگی مطابق خواست الله توسط انسانها به پیش می رفت؟ و احتیاجی به رهبر و هدایتگر نداشتند؟؟

چرا این همه پیامبر، نبی و هدایتگر همه در شرق میانه بودند؟ مگر مردم چین، جاپان، امریکا، استرلیا و... به رهبر و رهنما ضرورت نداشتند؟ و همچنان در محلاتی که اصلاً پیامبر و نبی و غیره ظهور نکرده این مردمان چه سرنوشتی باید داشته باشند؟

بر اساس این ادعا دانشمندان و نوابغ علمی و شخصیت های جهانی مثل افلاطون، سقراط، ارسطو، فیثاغورث، ... که عملکرد ایشان مؤثر تر از هزاران پیامبر بوده و مصدر خدمات زیاد برای بشریت گردیده اند می توان آنها را در ردیف پیامبران الهی شمرد؟

قرآن سوره النحل ۳۶ می گوید: و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم تا (بگوید) خدا را بپرستید و از طاغوت (طغیان کرده فریب کار) بپرهیزید پس از ایشان کسی است که خدا (او را) هدایت کرده و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است بنا بر این در زمین بگردید و ببینید که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است. طبق روایات دینی مخصوصاً اسلامی، ده ها هزار پیامبر از طرف خداوند مأمور به تبلیغ و هدایت مردم بودند که بر اساس بیشتر منابع شمار آنان، ۱۲۴۰۰۰ نفر بوده است، قرآن نیز اعلام نموده است که صرف نظر از برخی امتیازاتی که تعدادی از پیامبران بر دیگر انبیا داشته اند، اما با توجه به این که پیامشان یکی بوده و همه آنان، مردم را به یک هدف راهنمایی می نمودند، نمی توانیم از این لحاظ، میان آنان تفاوتی قائل شویم.

از طرفی، خداوند به پیامبرش اعلام نمود، با این که ماجراهای فراوانی از پیامبران گذشته در قرآن وجود دارد، اما داستان بسیاری از پیامبران نیز نقل نشده است و این موضوع نیز طبیعی است؛ چون تنها ذکر نام تمام آن پیامبران، حجمی به اندازه کل کلمات قرآن را اشغال می نمود، چه رسد به این که به ماجرای آنان نیز پرداخته شود! براین اساس و با توجه به مشترک بودن پیام تمام آنان، ذکر چند نمونه، برای هدفی که قرآن کریم از نقل داستان گذشتگان دنبال می نمود، کافی بود و چه بهتر و شیواتر که این نمونه ها به گونه ای انتخاب شوند که بسادگی، قابل دسترسی و تحقیق باشند.

ادامه دارد